

واکاوی مبانی هویتی جریان‌های تکفیری و رویکرد آن‌ها به جمهوری اسلامی ایران

توحید افزلی*

محمدطاهر افزلی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۰

چکیده

با توجه به تغییر و تحولاتی که در اواخر سده بیستم در سطح جهانی به وقوع پیوست و تغییراتی در سیاست‌گذاری‌ها، فناوری‌ها و فروپاشی مارکسیسم به وجود آمد، جنبش‌های اسلامی نیز دچار تغییر و تحولاتی شدند. برخی جنبش‌های گذشته اسلامی در زمینه اهداف، سازوکارها، شیوه‌ها و الگوهای رفتاری تغییر یافتند یا جنبش‌های نوینی در جهان اسلام، به وجود آمد که از این جنبش‌ها به نام نوبنیادگرایی و جریان‌های سلفی یاد می‌شود. در این میان، باید بین جنبش‌های اصیل اسلامی که در مبارزه با ضد ارزش‌های غربی و مدرنیسم احیا شدند و در مقابل، جنبش‌های سلفی و تکفیری که در دوران معاصر با رشدی قارچ‌گونه به اسلام هراسی و اسلام‌ستیزی دامن می‌زنند و آگاهانه تصویری موحش و غیرواقعی از دین مبین اسلام و مسلمانان ارائه می‌کنند، تمایز قائل شد. ظهور و بروز جریان‌های سلفی‌گری و تروریستی در منطقه خاورمیانه در تلاقی و همپوشانی ارگانیک با مدارهای وسیع و قدرتمند سلفی‌گری همه ظرفیت‌های ایدئولوژیکی خود را برای مهار و تضعیف موقعیت ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی ایران بسیج کرده است. مداخله و عملیات‌های فزاینده جهادی‌های سلفی در منطقه مبانی هویتی و رویکرد آن‌ها به جمهوری اسلامی ایران را نیز آشکار می‌کند.

کلیدواژه‌گان: بنیادگرایی تکفیری، سیاست خارجی، مبانی فکری، هویت.

سپهر سیاست

سال پنجم

شماره پانزدهم

بهار ۱۳۹۷

* نویسنده مسئول: دکتری تخصصی مطالعات آمریکای شمالی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

رایانامه: tohid.afzali@yahoo.com

** کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

با توجه به تغییر و تحولاتی که در اواخر سده بیستم در سطح جهانی به وقوع پیوست و تغییراتی در سیاست‌گذاری‌ها، فناوری‌ها و فروپاشی مارکسیسم به وجود آمد، جنبش‌های اسلامی نیز دچار تغییر و تحولاتی شدند (شباور، ۱۳۸۵). برخی جنبش‌های گذشته اسلامی در زمینه اهداف، سازوکارها، شیوه‌ها و الگوهای رفتاری تغییر یافته یا جنبش‌های نوینی در جهان اسلام به وجود آمد که متفاوت از جنبش‌های گذشته تعریف شده که از این جنبش‌ها به نام نوبنیادگرایی و جریان‌های سلفی یاد می‌شود (لوئیس^۱، ۱۳۷۸).

بنیادگرایی دینی اصیل، به معنای کوشش برای احیای ارزش‌های مذهبی، در تقابل ایدئولوژی‌ها و گرایش‌های مدرن، واکنش عمومی و سراسری در قرن بیستم میلادی بوده و در فرهنگ‌های مذهبی گوناگون اعم از مسیحی، یهودی و اسلامی، پدیدار شده است (Francesca, 2010). اگرچه میان محافظه‌کاری و مذهب، پیوندی محکم وجود دارد، این رابطه میان محافظه‌کاری به منزله ایدئولوژی یا آگاهی سیاسی و بنیادگرایی مذهبی، ابعادی جدید می‌یابد. در این میان، جنبش‌هایی اعلام موجودیت کردند که بیشتر از آنکه در خدمت به اسلام و بازگشت به اصالت دین اسلام قدم بگذارند، برای تخریب ارزش‌ها و مبانی دینی قدم گذاشته و با رفتارها و اقدامات ضدانسانی و ضداسلامی سعی بر معرفی چهره‌ای مخدوش و ناصحیح از اسلام دارند. این جریان‌ها از آن دلیل که همواره همه مذاهب و آیین‌های دیگر در چارچوب اسلام و خارج آن را تکفیر می‌کنند و مطرود می‌دانند، به جریان‌های تکفیری موسوم شده‌اند. این جریان‌ها که القاعده، بوکوحرام، طالبان و داعش نمونه‌هایی از آنها می‌باشند، هرگونه برداشت اسلامی را ناصحیح دانسته و کفر تلقی می‌کنند مگر آنکه در چارچوب تفاسیر مجعول آنها قرار گیرد.

با توجه به شرح کوتاهی از روند تاریخی و فلسفی شکل‌گیری جنبش‌های بنیادگرا، باید اشاره کرد لبه تیغ تکفیر به‌جای آنکه بر پیکر دشمنان اسلام فرود آید، هر روز در گوشه و کنار عالم اسلامی، قربانیان بی‌گناه بسیاری را به خاک و خون می‌کشد و بر طبل هدم و ویرانی آثار هویت‌ساز و مقدس مسلمانان می‌کوبد



1. Lewis

(ابوزهره، ۱۳۸۴). بمب‌گذاری در میان مردم کوچه و بازار، و خوردن اعضای بدن برادر مسلمان، ویران کردن قبور بزرگان دین از قبیل مراقد عسکریین (ع) و نبش قبر صحابی جلیل پیامبر (ص) هجر بن عدی و بیرون آوردن استخوان‌های وی، قتل علمای دین به بهانه پیروی از مذاهب مختلف، مانند شهادت سعید رمضان البوطی عالم سوری و علامه حسن شحاته عالم مصری و ده‌ها جنایت دیگر، نمونه‌ای از کارنامه سپاه چنین حرکت‌هایی است. البته هرگز نباید نقش استعمار و دشمنان خارجی را نادیده گرفت چه اینکه آنان به‌خوبی دریافته‌اند که یکی از راه‌کارهای تضعیف بنیه مسلمین، و ایجاد تفرقه و تشتت در میان مسلمانان، حمایت از این گرایش‌های افراطی است و گروه‌های تکفیری نیز دانسته یا ندانسته، آلت دست آنان شده‌اند.

این جریان‌ها غالباً به یکی از سه جریان اصلی تکفیری و هابیت، سپاه صحابه و طالبان و سلفیه جهادی (القاعده) وابسته‌اند (لوئیس، ۱۳۷۸). بیشتر این گروه‌ها تابع مقتضیات زمان به سلفیه جهادی پیوسته؛ اگرچه قبلاً از طیف‌های دیگر و گاه اصلاً سلفی نبوده‌اند؛ بنابراین، مهم‌ترین گروه، سلفیه جهادی است که جهاد را واجب می‌دانند و صدها گروه از جمله داعش به آن متعلق است (ناصری طاهری، ۱۳۹۳). با توجه به این شرح مختصر از جریان‌های تکفیری می‌توان این پرسش اساسی را مطرح کرد که چه عناصری مبانی هویتی جریان‌های تکفیری را شکل می‌دهد و به تبع آن جریان‌های تکفیری بر پایه این هویت برساخته چه رویکردی نسبت به جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرده‌اند؟

فرضیه تحقیق بدین شرح است که بنیادگرایان و جریان‌های تکفیری با اعاده تبیین‌های مطلق، نص‌گرایی افراطی و مخالفت با عقل‌گرایی و نگاهی جزم‌گرایانه به آموزه‌های دین اسلام ضربه سخت بر پیکره اسلام وارد کرده، و از این طریق رویکرد تکفیر هرگونه نگاه پویا و نسبی‌گرایانه به دین را اتخاذ کرده‌اند که در این مسیر، جمهوری اسلامی ایران را بر مبنای این نگرش و آموزه‌های متأثر از وهابیت تکفیر کرده، و در تقابل با جهان اسلام معرفی می‌کنند. از این رو، این پژوهش به دنبال آن است که با واکاوی مبانی هویتی جریان‌های تکفیری یادشده، به شناخت کامل‌تری از این گروه‌های بنیادگرا دست یافته و در گام بعدی بر مبنای یک شناخت جامع هویتی به نحوه برساخت و ایجاد این هویت ساختگی که موجب آسیب‌رساندن به جهان اسلام شده است، بپردازد. در حقیقت، نگاه نافذ و سازه‌انگارانه به نحوه

واکاوی مبانی هویتی
جریان‌های تکفیری
و رویکرد آن‌ها به ...
(۱۵۵ تا ۱۷۱)

شکل‌گیری هویت ساختگی این جریان‌ها به فهم اهداف، سازوکار و اقدامات آن‌ها کمک می‌کند و رویکرد منفی و ضدیت شایان توجه آن‌ها با برداشت‌های صحیح‌تر از اسلام مانند جمهوری اسلامی نیز قابل تحلیل می‌شود.

مبانی فکری و هویتی بنیادگرایی تکفیری

متأسفانه در حالی که عموم مسلمانان می‌کوشند بر محور مشترکاتی مانند توحید، نبوت و قرآن گرد هم آیند و با تأکید بر ویژگی‌های مذهبی خود، در برابر دشمن بایستند، با انحرافات که خطر آن کمتر از خطر دشمنان خارجی اسلام نیست، روبه‌رو هستند (Kepel, 2008). جریان‌هایی که مانند غده سرطانی، در پیکر اسلام و مسلمین رشد کرده‌اند و در این مسیر نیز هر روز قربانیان بیشتری از جامعه مسلمین می‌گیرند (شباور، ۱۳۸۵).

این جریان با قرائتی که از اسلام ارائه می‌کند، نه تنها آموزه‌های ارزشمند و نورانی اسلام را در برابر چشم جهانیان زشت جلوه می‌دهد که همه مسلمانان را خارج از دایره توحید و ایمان شمرده است، بر خلاف همه مذاهب اسلامی، آنان را مشرک و کافر می‌خواند و بر همین اساس نیز تیغ تلخ تکفیر را بر پیکر جهان اسلام فرود می‌آورد (ناصری طاهری، ۱۳۹۳).

اسلام سلفی که میراث وهابیت در شبه‌جزیره عربستان است به گفتمان نوبنیادگرایان نزدیک است و در واقع، تحولات اجتماعی سیاسی را ولو به‌طور ابزاری، با تفاسیر القاعده‌گونه تسری یافته قرآنی توجیه می‌کند (Kepel, 2008). اسلام سلفی از طریق وهابیت ساکن عربستان به‌طور رسمی در جریان‌های مذهبی تاریخ اسلام ریشه دارد. این جریان، با ذهنیتی جزمی با بسیاری از مسائل‌هایی چون شرک و بدعت مبارزه می‌کردند. سلفی‌ها پایبند به ظواهر احکام قرآن و سنت بودند و در این راه تعصب شدیدی به خرج می‌دادند (فوکویاما، ۱۳۸۶).

ریشه‌های سلفی به ابن تیمیه می‌رسد. او از بزرگترین و برجسته‌ترین علما و فقهای حنبلی است که معتقد بود عقل، فلسفه، تشیع و تصوف نوعی بدعت محسوب می‌شود. بنابراین، بازگشت به سنت پیامبر و عمل سلف و صحابه سلفیه نامید شدند (لوئیس، ۱۳۷۸). از این رو، معتقد بود در چنین شرایط بدعت، بازگشت به متون دست اول، پیروی از بایدها و نبایدها، بدون دخالت عقل بشری



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال پنجم
شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۷

در فهم، تأویل، تحلیل و تعلیل نص از عوامل جلوگیری از این بدعت است. در مجموع، شاید بتوان این جریان را سرآغاز نشر اسلام وهابی رادیکال به عنوان بخشی از اسلام‌گرایی دانست.

بنیادگرایی مذهبی، مانند گرایش عمومی محافظه‌کاری، شورشی بر مدرنیته و میراث روشنگری غرب بوده است. بنیادگرایان در همه مذاهب می‌کوشند با اعاده تبیین‌های مطلق، به مقابله با نسبی‌گرایی عصر مدرن برخیزند (Esposito, 1991). بنیادگرایی ضد اصول مدرنیته (فردگرایی، عقل‌گرایی، دنیاگرایی، آزادی، تساهل، دموکراسی، تکثرگرایی، انسان‌مداری، نسبی‌گرایی) بوده است؛ در عوض، از گرایش‌های رمانتیک غیرعقلی (مطلق‌انگاری ارزشی، جمع‌گرایی در مقابل فردگرایی، نخبه‌گرایی) در اشکال مختلف آن ترکیب مذهب و سیاست، انضباط اجتماعی، اقتدارگرایی، حصر فرهنگی و نظارت اخلاقی بر جامعه حمایت‌کردن است (فوکویاما، ۱۳۸۶). در این میان، باید بین جنبش‌های اصیل اسلامی که در مبارزه با ضدا ارزش‌های غربی و مدرنیسم احیا شده‌اند و در مقابل جنبش‌های سلفی و تکفیری که در دوران معاصر با رشدی قارچ‌گونه به اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی دامن می‌زنند و آگاهانه تصویری موحش و غیرواقعی از دین مبین اسلام و مسلمانان ارائه می‌کنند، تمایزی قائل شد (ناصری طاهری، ۱۳۹۳). از جمله مطرح‌ترین جریان‌های تکفیری گروه موسوم به دولت اسلامی در عراق و شام (داعش) که پس از مدتی به «دولت اسلامی» تغییر نام داد و چند ماهی است که ادعای تأسیس خلافت اسلامی کرده است؛ خلافتی که با شیوه قهر و استیلا پی‌ریزی شد (Lakhdar, 2012).

واکوی مبانی هویتی
جریان‌های تکفیری
و رویکرد آن‌ها به ...
(۱۵۵ تا ۱۷۱)

ریشه‌های رسیدن به خلافت با قهر و استیلا را می‌توان از شخصیت‌هایی مانند احمد بن حنبل و ابن حجر تا تفتازانی سراغ گرفت. غیریت‌سازی با دیگران در راستای برساختن هویت خود، یکی دیگر از اصول جریان‌های سلفی تکفیری از جمله داعش است. این گروه‌ها در اولین گام، دشمن نزدیک را بر دشمن دور ترجیح می‌دهند. داعش به دنبال احیای خلافت اسلامی است و بر این اساس شیعیان، علویان و مسیحیان، حتی اهل تسنن را مهم‌ترین «دیگر»ی هویتی تصور می‌کند (Roy, 2011). این دایره گسترده طرد دیگران و غیریت‌سازی کسانی را که مانند آن‌ها فکر نمی‌کنند، شامل می‌شود. این جریان‌ها نگاهی مبتنی بر این نظریه دارند که هدف وسیله را توجیه می‌کند و برای رسیدن به هدف کمترین کار

جنایت‌های هولناکی است که شاید روی سفاک‌ترین گروه‌های تاریخ را سفید کرده است (موثقی، ۱۳۸۹).

برخی ویژگی‌هایی فکری و عملی این گروه عبارت‌اند از: «نص‌گرایی افراطی و مخالفت با عقل‌گرایی»، «توجه‌نکردن به مقتضیات زمان»، «جست‌وجوی آرمان‌شهری در گذشته»، «بی‌توجهی به مبانی فقهی»، «تکفیر گسترده دیگران»، «ظاهرگرایی و بی‌توجهی به عمق دین»، «ارائه تصویری خشن از دین»، «بدعت در دین» (ناصری طاهری، ۱۳۹۳) که با بررسی ریشه‌های فکری گروه‌های تکفیری مانند داعش بهتر می‌توان آن‌ها را واکاوی کرد. برای نمونه عقل‌ستیزی و نص‌گرایی افراطی را از ابن حنبل، خشونت و غلبه با زور و بازگشت به سنت سلف را از ابن تیمیه، تخریب قبور و بهره‌بردن از خشونت عریان، بی‌توجهی به اجتهاد، ظاهرگرایی، ارائه چهره‌ای تحریف‌شده از اسلام و تکفیر دیگران را از وهابیت برگرفته‌اند (موثقی، ۱۳۸۹).

در واقع، باید تصریح کرد کافر سازی مسلمانان مهم‌ترین بخش رادیکالیسم و فقه تکفیری داعش است. آنچه خطر چنین گروهی را افزایش می‌دهد بعد نرم‌افزاری و گسترش فکر و اندیشه منحط این گروه است که بسیار خطرناک‌تر از بعد سخت‌افزاری آن است (Lakhdar, 1981)، هرچند نداشتن انسجام فکری و تنها اتکا به برخی مفاهیم جزمی و قرائتی خشن از دین، چشم‌انداز سیاه و تیره‌ای از این گروه را نشان می‌دهد. بر این اساس، گفتمان اسلام سلفی با گسترش و نفوذ خود حتی در میان جوانان اروپایی و ایجاد پایگاه‌های آموزشی در یمن، سومالی، عراق و پاکستان از جمله دلایل موجد جهانی شدن امنیت خاورمیانه است به طوری که امنیت موضوع اصلی این منطقه جهانی و مطالعات آن، به حساب می‌آید (موثقی، ۱۳۸۹).

بسترهای دینی گفتمان تکفیر

ماهیت دینی و ایدئولوژیک تکفیر چنان در هم تنیده که نمی‌توان این دو را از هم جدا کرد. دیدگاه‌های ایدئولوژیک و سیاسی، نقشی پررنگ در ایجاد تکفیر داشته‌اند. از این رو، تکفیر برای کسب مشروعیت، ناچار صبغه‌ای دینی به خود گرفته است؛ زیرا درگیری‌های ایدئولوژیک و سیاسی، مشروعیت خود را بیشتر از منابع وحی اخذ می‌کرده‌اند (موسوی، ۱۳۹۵). ساده‌ترین راه آن نیز



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال پنجم
شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۷

مشروعیت‌بخشیدن به تکفیر، از طریق احادیث پیامبر اکرم (ص) بوده است. بسیاری از احادیث و روایات مورد استناد در پیدایش و تداوم بر اثر رویکردهای کلامی و فقهی مبتنی بر تجرید و تخریح، که فرد را از حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی محروم می‌کند، فرهنگ اسلامی وجه‌های بنیادگرایانه یافته است. نظریه‌های تخریح‌کننده مانند آن، تفاوت را مایه نابسامانی خود می‌یابد و برای جلوگیری از آن، در نقش عاملی تعیین‌کننده در دستگاه سیاسی دخالت کرده است. نابسامانی ایدئولوژیک و سیاسی باعث شده است اموال مسلمانان متهم به کفر، غنیمت به شمار آید و خانه و کاشانه‌شان میدان جنگ قلمداد شود. ترتیب، صاحبان عقاید متفاوت، از حقوق اولیه انسانی محروم شدند. اسلام برای انسان حقوق و اختیاراتی اساسی را به رسمیت شناخته و معین کرده است. این حقوق پنج‌گانه در نتیجه رویکرد مستبدانه تکفیر، زمینه احقاق و ایجاد را پیدا نیافته‌اند (Francesca, 2010). ما معتقدیم تکفیر انسان‌ها به جرم داشتن ادیان، باورها و دیدگاه‌ها و مذهبشان، معضلی ناشی از عدم درک اسلام حقیقی و عدم اجرای صحیح آن است؛ زیرا اگر از منظر تشخیص تاریخی نگاه کنیم، فرهنگ و ساختار اجتماعی موجود، فقط نوعی کارکرد از وجوه گوناگون هستی‌شناسانه اسلام است. رویکرد تخریح و تکفیر، جایگزینی برای خط‌مشی‌های قبلی است که وجهه اسلامی خود را به سبب مذهب جدید اخذ کرده‌اند. درک انحصاری جریان سلفی از مذهب ناجیه یا حق، نه مذهبی متکی بر ساختار واقعی اسلام، بلکه متکی بر شرایط اجتماعی اعراب در دوره‌های خاص یعنی از ملزومات زندگی قبیله‌ای است. این ساختار، خصیصه تخریح‌کنندگی خود را در راستای اسلام، در قالب مذاهب و فرقه‌ها تداوم بخشیده است (فوکویاما، ۱۳۸۶).

اگر به اسلام و منبع اساسی آن یعنی قرآن رجوع شود، مشخص می‌شود این ویژگی نه به صورت تکفیر، بلکه به صورت تلاش برای دربرگرفتن مسالمت‌آمیز عقاید متفاوت آمده است، این را به آسانی می‌توان از رویکرد اسلام در برابر ادیان وابسته به وحی یعنی یهودیت و مسیحیت استخراج کرد (ابوزهره، ۱۳۸۴). اسلام در برابر ادیان الهی رویکردی معطوف به دقت در نکات مشترک و حکم به ایجاد سنت تفاهم و و تلاقی بر اساس مبنایی صحیح است. گفتمان تکفیر در این حالت، به معنای استبداد و فرهنگی مغایر با اسلام است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، آبشخور گفتمان تکفیر، نخست به صورت زمینه‌های

واکاوی مبانی هویتی
جریان‌های تکفیری
و رویکرد آن‌ها به ...
(۱۵۵ تا ۱۷۱)

فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیک، سپس به شکل زمینه‌های دینی به صورت دست‌گاه فکری استبدادگرا و دگماتیک است. تجربه تاریخی تکفیر، با اهداف زیربنایی اسلام که دربرگیرندگی به‌جای تخریح است، آشکارا در تناقض است (جوکار، ۱۳۸۶).

نظریه‌های استعمار نوین و جریان‌های تکفیری

استعمار نوین و با بهره‌برداری از تاکتیک‌هایی مانند «دموکراسی‌سازی جهان اسلام»، «پایان تاریخ»، «برخورد تمدن‌ها»، «اسلام‌هراسی» و «رادیکالیسم اسلامی» اقدام می‌کند. به عبارت دیگر، استعمارگران به بهره‌گیری از نظریه‌های جدید مانند جهانی‌شدن، عصر اطلاعات، پست‌مدرنیسم، جهان زیست، پست سکولاریسم و جامعه پسا صنعتی درصدد پیشبرد سیاست‌های استعماری و یکجانبه خود در جهان اسلام هستند (Elive, 1983). البته این سیاست‌های نوین جهان غرب با توجه به ماهیت پنهان خود، برای بسیاری ناشناخته بوده و به همین دلیل ممکن است خود ناخودآگاه به ترویج چنین اندیشه‌ها و سیاست‌هایی می‌پردازند.

عوامل و متغیرهایی در شکل‌گیری و نهادینه‌سازی غربی‌سازی و خیزش هویت دینی از سوی جنبش‌های بنیادگرای دینی دخیل بوده‌اند؛ به‌طور کلی می‌توان آثار جهانی‌شدن را در نوین‌دگرایی اسلامی در عناصری مانند فروپاشی هویت‌های یک‌جانبه و خالص، فروپاشی عناصر هویتی دینی و تاریخی، افزایش تقابل‌های هویتی، گسترش فرهنگ غربی، خاص‌گرایی فرهنگی، ناکارآمد نشان‌دادن ارزش‌های اسلامی، روزمرگی عناصر هویتی، تأکید بر برتری الگوها و سرمشوق‌های فکری و ذهنی غرب، ترویج افکار و اندیشه‌های عرفی‌سازی، دموکراتیزاسیون‌سازی جهان اسلام، تلاش در جهت زوال ارزش‌های سیاسی اسلام، تأکید بر روی کار آمدن نخبگان طرفدار غرب، تداوم دو سیاست، پروژه اسلام‌هراسی در غرب و مدافع اسلام غیرسیاسی در جهان اسلام، تقسیم‌بندی نوین از کشورها، مانند تقسیم‌بندی بر اساس تمدن و فرهنگ، دسترسی به اطلاعات و رسانه‌ها بررسی می‌شود (کاظمی، ۲۰۱۰).



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال پنجم
شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۷

نقش آمریکا در منطقه و تأثیر آن در ایجاد جنبش‌های تکفیری

در واکاوی علل منطقه‌ای و ژئوپلیتیکی ایجاد و شکل‌گیری جریان‌های تکفیری باید یادآور شد که در اولین واکنش‌ها پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، اسامه بن لادن و شبکه القاعده، عامل حملات تروریستی در آمریکا معرفی شدند (ابوزهره، ۱۳۸۴). در همین زمینه، بنا بر اظهارات جرج بوش رئیس‌جمهور ایالات متحده «اسامه بن لادن» مظنون به طراحی حملات به مرکز تجاری و نظامی شهرهای واشنگتن و نیویورک بود (لائوست^۱، ۲۰۰۷). آمریکایی‌ها اعلام کردند برای گرفتن بن لادن در صورت لزوم همه خاک افغانستان را که پناهگاه اوست، تصرف خواهند کرد. به دنبال رد درخواست گروه طالبان برای تحویل بن لادن به مقامات ایالات متحده، این کشور مقدمات حمله نظامی خود را در چارچوب گسترده‌ای با نام «جنگ با تروریسم» به کشور افغانستان آغاز کرد. در نتیجه، هنوز یازده هفته از حملات ۱۱ سپتامبر نگذشته بود که آمریکا به اولین جنگ قرن با حملات علیه افغانستان و نظام حاکم بر آن و طالبان و شبکه القاعده به رهبری اسامه بن لادن وارد شد و برای این جنگ نیز مهم‌ترین استدلال ایالات متحده دفاع پیشگیرانه بود (Elive, 1983).

اتفاق‌های سپتامبر پایان دوره گذار در نظام بین‌الملل بود، زیرا با خلق و ایجاد دشمن جدیدی به نام تروریسم زمینه را برای بهره‌برداری آمریکا و مداخله در نظام بین‌الملل فراهم کرد. رویدادهای داخل و خارج با جهت‌دهی جدید در سیاست خارجی این دولت، شرایطی ویژه برای محافظه‌کاران در آمریکا پدید آورد تا هدف‌های سلطه‌جویانه و هژمونی‌گرایانه خود را با به‌کارگیری نیروی نظامی پیگیری کنند (خدوری، ۱۳۹۶). آمریکا کوشید تروریسم را، تنها مسئله مربوط به سیاست خارجی جلوه ندهد، بلکه آن را در زمره مسائل امنیت ملی قرار دهد؛ بنابراین، سعی در ائتلاف و اتحادسازی کرد. مبارزه با تروریسم به کانون اصلی توجه سیاست خارجی آمریکا تبدیل شد (جوکار، ۱۳۸۶).

مهم‌ترین عامل قدرت‌یابی جریان‌های تکفیری بی‌شک و شبهه‌ای، حضور نظامی آمریکا در منطقه در دهه اخیر است. در پاسخ به این پرسش، باید از آرای سید

واکاوی مبانی هویتی
جریان‌های تکفیری
و رویکرد آن‌ها به ...
(۱۵۵ تا ۱۷۱)

قطب بهره برد که براساس تفکر سید قطب، همه مشکلات از جاهلیت قرن بیستم است و جاهلیت قرن بیستم چیزی به غیر از فرهنگ غرب، دموکراسی و اومانیسیم نیست. یک دهه است که آمریکا با همه توان، حتی به صورت نظامی، آمده است تا این فرهنگ را در منطقه نهادینه کند. حال وظیفه یک مسلمان متدین غیرتمند چیست؟ جهاد علیه آنان و مسببان و کمک‌کنندگان به آنان در منطقه، که شاهد تعمیق تفکر جهاد مبتنی بر خشونت نهادینه‌شده در اثر حضور آمریکا در منطقه باشیم (لائوست، ۱۴۱۷).

آمریکا با شعار مبارزه با تروریسم، رقیب دیرینه اش روسیه و رقبای جدیدش مانند چین، اتحادیه اروپا و هند را به زیر پرچم شعار خود آورد. هر چند برخی کشورها با گرفتن امتیازاتی به این ائتلاف پیوستند، آمریکا توانست نقش هژمونی خود را در این ائتلاف تثبیت کند. پدیده تروریسم باعث شد برخی مفاهیم سیاست خارجی ایالات متحده با در نظر گرفتن دشمن جدید به صورت نوین تعریف و تبیین شود (شفیعی، ۱۳۹۰).

حضور آمریکا در افغانستان باعث شد بسیاری از جوانان جماعه‌التبلیغ که به تبلیغ مذهب دیوبندی مشغول بودند و کاری به سیاست نداشتند، جذب گروه‌های تکفیری شوند و احساس کنند امروز دیگر با تبلیغ نمی‌توان جهان اسلام را از ورطه سقوط نجات داد (شباور، ۱۳۸۵)، به همین سبب به جریان‌های تکفیری پیوسته و وزنه این جریان‌ها را سنگین‌تر می‌کنند.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال پنجم
شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۷

جریان‌های تکفیری در عراق

القاعده عراق، گروه جهادگرایی متشکل از ستیزه‌جویان سنی است که پس از حمله ایالات متحده به عراق قدرتمندتر و برجسته‌تر شد و دست به عملیات تروریستی و بمب‌گذاری‌های پراکنده زد. تداوم ناآرامی‌ها در این کشور زمینه مناسبی را برای دست‌زدن به جنگ چریکی علیه نیروهای ائتلاف و حامیان داخلی آن فراهم کرد. با توجه به تلاش‌های موفقیت‌آمیز ضدتروریستی و بیداری قبایل اهل سنت، اقدامات خشونت‌بار القاعده عراق از زمان اوج آن در مدتی فاصله گرفت و کاهش یافت، اما دوباره در ماه‌های اخیر اوج گرفته و همچنان به عنوان تهدیدی برای ثبات عراق و در بستری

وسیع تر برای ثبات کشورهای شرق دریای مدیترانه باقی مانده است. این گروه از زمان خروج نیروهای امریکایی در اواخر سال ۲۰۱۱ شتاب حملات خود را به اهداف شیعه به طور عمده شتاب بخشیده است تا شاید بتواند درگیری بین اقلیت سنی عراق و دولت تحت رهبری شیعیان به نخست‌وزیری نوری مالکی را دوباره شعله‌ور کند. ناگفته نماند که القاعده عراق حوزه عملیاتی خود را به کشور همسایه، سوریه، هم گسترش داده است. القاعده عراق در ۲۰۱۳ اعلام کرد درصدد تغییر نام خود به حکومت اسلامی عراق و شام (داعش) است و گروه سوری جبهه النصره) برای پیوستن به آن ابراز تمایل کرده است. هر چند رهبران جبهه النصره این مسئله را تکذیب و هر دو گروه به صورت مستقل باقی مانده‌اند.

بخش شایان توجهی از خشونت‌های عراق بر عهده دولت اسلامی عراق و شام است که به عنوان بخشی از اقدامات ضدشیعی خود به عملیات خرابکارانه و بمب‌گذاری در این کشور مبادرت کرده و مدعی است بیش از هشت هزار تن را کشته است. در سوم ژانویه ۲۰۱۴ بیان کرد کنترل شهر فلوجه را در دست گرفته است و برپایی دولت اسلامی را در آنجا اعلام کرد. تسخیر شهر فلوجه به دنبال درگیری‌های خشونت‌بار استان الأنبار رخ داد که طی آن نبرد بین قبایل محلی، نیروهای امنیتی عراق و ستیزه‌جویان وابسته به القاعده به بن‌بست رسیده بود. ستیزه‌جویان داعش برای ماه‌ها کنترل نواحی بیابانی استان الأنبار را در اختیار داشتند و در برابر تهاجم نیروهای دولتی عراق و رهبران قبایل محلی مقاومت کرده و کنترل فلوجه نیمی از شهر الرمادی و تقریباً مرکز استان الأنبار را حفظ کردند. تنش‌های فرقه‌ای بین سنی‌های عراق و حکومت تحت رهبری شیعیان به دنبال جنگ در سوریه شعله‌ورتر شده است. نفوذ فزاینده القاعده در سوریه این امکان را برای تروریست‌ها فراهم کرده است تا کنترل مناطق بیابانی دو طرف مرز عراق و سوریه را به دست گرفته و آن‌ها را قادر کرده است به‌سادگی در این مناطق جابه‌جا شوند و تسلیحات انتقال دهند (موسوی، ۲۰۱۳).

جریان‌های تکفیری در سوریه

از دهه ۱۹۸۰ و از زمانی که رژیم اسد به عنوان متحد ایران مطرح بوده، سوریه مورد توجه القاعده و دیگر گروه‌های جهادی قرار داشته است. دخالت مستقیم

واکوی مبانی هویتی
جریان‌های تکفیری
و رویکرد آن‌ها به ...
(۱۵۵ تا ۱۷۱)

القاعده در سوریه شامل دولت اسلامی عراق و شام، گردان‌های عبدالله عزام، فتح الاسلام وابسته به القاعده و جهادگرای سلفی اردنی می‌شود (خلدوری، ۱۳۹۵). یوسف القرضاوی از چهره‌های بانفوذ اهل سنت در راستای برجسته‌کردن و گسترش شکاف منطقه‌ای شیعه - سنی، از همه کسانی که می‌توانند به جهاد مبادرت کنند، خواسته است به سوریه بروند و با علویان و شیعیان بجنگند که از نگاه او «بدتر از مسیحیان و یهودیان هستند». ایمن الظواهری رهبر القاعده هم سوری‌ها را به «قیام علیه رژیم علوی» بشار اسد فراخوانده است. در ژوئن ۲۰۱۳، ۶۰ شیعی غیرنظامی توسط نیروهای شورشی در روستای هتلا کشته شدند، روستایی در شرق سوریه و نزدیک مرز عراق که مورد تهاجم هزاران جهادگرا قرار گرفت و علاوه بر کشتار تعدادی از شیعیان، بسیاری از خانه‌های آن‌ها را هم به آتش کشیدند. در دولت اسلامی عراق و شام از سال ۲۰۱۲ در سوریه فعال است و برای کنترل پایگاه‌های در اصلی و مرکز استان الرقه شمال این کشور ایجاد درگیری می‌کند. داعش از یک سو با نیروهای رژیم اسد درگیر است و از سوی دیگر، با شورشیان سکولار سوریه که پیشتر این گروه را در مبارزه علیه رژیم اسد متحد خود قلمداد می‌کردند.

رویکرد جنبش‌های تکفیری به جمهوری اسلامی ایران

از آنجا که جمهوری اسلامی ایران یک حاکمیت شیعه و منحصر به فرد در جهان اسلام است و به عنوان نماد یک حکومت شیعه در دنیا شناخته شده است. در این تحلیل ریشه حساسیت و ضدیت جریان‌های تکفیری را در تقابل با شیعه و تأکید بر اصل تشیع در جمهوری اسلامی ایران دانسته شده است زیرا در غیر این صورت و در حالت عدم تأکید بر آموزه‌های اصیل اسلامی و ناب شیعه در حکومت ایران، دلیل منطقی برای تقابل و دشمنی جریان‌های تکفیری با حاکمیت جمهوری اسلامی ایران یافت نمی‌شود. حساسیت روی هویت شیعیان و اندیشه‌های مذهب شیعه از مهم‌ترین عناصر مشترک طیف‌ها و گروه‌های تکفیری و سلفی است، با این تفاوت که طیف‌های معتدل و میانه‌روی آن‌ها شیعیان را گروه‌های منحرف و بدعت‌گذار در آیین اسلام می‌دانند که تهدیدی برای دیگر مسلمانان و دعوت‌کننده آن‌ها به انحراف تلقی می‌کنند. طیف تندروی آن‌ها نیز



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال پنجم
شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۷

مانند گروه موسوم به داعش شیعه را اساساً یک دین خودساخته می‌دانند (Francesca, 2010). متفکران این جریان سلفی مانند زرقاوی و عبدالرحمن علنا اعلام می‌کنند که شیعه نه تنها مارکین و خارجین از امت‌اند، بلکه دین خودساخته‌ای هستند که می‌خواهند به وسیله ایران بر اهل سنت سلطه یابند و رهبری امت اسلام را به دست گیرند. این تصویرسازی ضدایرانی و ضدشیعی با بهره‌برداری از ابزارهای سیاسی و فرهنگی امروز در بین جریان‌های سلفی رواج بسیاری دارد و البته در عراق با شدت بیشتری در حال گسترش است (خدوری، ۲۰۰۷).

این نگرش به‌ویژه بعد از ۲۰۰۳ بیشتر تعمیق یافت، زیرا عراق را از دست اسلام راستین خارج شده توصیف می‌کنند و آن را در سیطره رافضیان شیعه می‌دانند که این امر موجب تحقیر و تنزل جایگاه جهان عرب در نظام بین‌الملل شده و عامل اصلی آن جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌شود. جریان سلفی ایران را حتی با نگاهی بدبینانه همدست با کفار برای غلبه بر اهل سنت متهم می‌کند (شفیعی، ۲۰۰۴). با این ذهنیت سلفی‌گری نسبت به جمهوری اسلامی ایران که کاملاً مبتنی بر تقابل و عناد بنا نهاده شده است، انواع ارتباط در سه نوع تقابل، رقابت، همکاری در زمینه ایران به شکل تمام عیار تقابل صرفاً تبدیل شده است و منازعه و تقابل یا ایران یک سیاست و اندیشه طبیعی و لازم در افکار جنبش‌های سلفی تلقی می‌شود. عملیات‌های انتحاری و تروریستی گروه‌های سلفی آن هم به صورت سازمان‌یافته و وسیع در نقاط مختلف دنیا به خصوص خاورمیانه پدیده جدیدی در تاریخ اسلام است که به‌شدت مورد توجه جهانیان قرار گرفته است. این اقدامات بر تعمیق حاکمیت فضای غیرعقلانی و رشد تعصبات کور مذهبی و گرایش‌های افراطی احساساتی و انتقام‌جویانه در بین مسلمانان تأثیر بسزایی دارد (علیخانی، ۱۳۹۴). این اتفاق باعث می‌شود سیاست‌های مسالمت‌آمیز و صلح‌طلبانه جمهوری اسلامی ایران در فضای جهان اسلام تحت تأثیر منفی قرار بگیرد، زیرا ایران بر مبنای اسلام گفتمان نفی خشونت و عقلانیت را تبلیغ و ترویج می‌کند که این خصلت جزء جدایی‌ناپذیر سیاست خارجی کشورمان بوده است و همواره برای تأمین منافع ملی از به‌کارگیری راه‌های خشونت‌آمیز و غیرانسانی فاصله گرفته و این محدودیت را در راستای حفظ ارزش‌های اسلامی محفوظ نگه داشته است. در شرایطی این گونه اقدامات تروریستی گروه‌های سلفی که از ترور استفاده می‌کنند، باعث شده است مفهوم جهاد در دین اسلام برابر با ترور تلقی شود و موج

واکوی مبانی هویتی
جریان‌های تکفیری
و رویکرد آن‌ها به ...
(۱۵۵ تا ۱۷۱)

اسلام‌هراسی ایجاد شده ناشی از این اقدامات بزرگ‌ترین صدمات را به اسلام خواهد زد (شفیعی، ۲۰۰۴).

بنابراین، فهم نادرست و خلط مباحث جهاد در گروه‌هایی مانند حماس و حزب‌الله همان‌طور خطرناک و ترور تلقی می‌شود که در گروه‌های تکفیری مانند القاعده و بوکوحرام و داعش اتفاق می‌افتد. از سوی دیگر، به دلیل اراده‌های موجود در این همان دانستن همه گرایش‌های اصیل اسلامی با جریان‌های تروریستی و تکفیری و اسلام‌گرا تعریف کردن همه جریان‌های اسلامی باعث می‌شود تا شعائر و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران تحت الشعاع قرار می‌گیرد و نزد افکار عمومی دنیا رنگ می‌بازد.

نتیجه‌گیری

ظهور و بروز جریان‌های سلفی‌گری و تروریستی در منطقه خاورمیانه در تلاقی و همپوشانی ارگانیکی با مدارهای وسیع و قدرتمند سلفی‌گری همه ظرفیت‌های ایدئولوژیکی خود را برای مهار و تضعیف موقعیت ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی ایران بسیج کرده است. همچنین، از نگاه استراتژیست‌های اسرائیلی در دهه اخیر هلال شیعی تحت تسلط ایران، تهدید اصلی برای اسرائیل و امنیت منطقه‌ای به شمار می‌رفت (علیخانی، ۱۳۹۴)، در حالی که مداخله فزاینده جهادی‌های سلفی در منطقه تهدید جدیدی را موجب شده است. عملیات اخیر القاعده و وابسته‌های آن در سه کشور هلال شیعی - عراق، سوریه و لبنان - جاه طلبی‌ها و نفوذ فزاینده منطقه‌ای این گروه‌ها را به نمایش می‌گذارد. گروه‌های جهادی سنی می‌توانند همه منطقه را بی‌ثبات کرده و به منطقه‌ای ناپایدار و کنترل‌نشده تبدیل کنند. چنین منطقه کنترل‌نشده‌ای ممکن است به محلی امن برای گروه‌های تندروی اسلامی و مرکز آموزشی برای ستیزه‌جویان از صحرای سینا، شبه جزیره عربستان و جاهای دیگر و همین‌طور به سکویی برای آغاز جهاد علیه اسرائیل و کشورهای عرب میانه‌رو در منطقه تبدیل شود. هر چند این نکته را هم نباید از نظر دور کرد که پیامد مثبت این سناریو به گمان مقامات اسرائیلی، کاهش نفوذ ایران در منطقه خواهد بود.

همچنین، ماهیت نگرش‌های ضدایرانی و ضدشیعی جریان‌های سلفی در



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال پنجم
شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۷

چارچوب استراتژی خود به دنبال ایجاد موج تشدید منازعات فرقه‌ای در قالب سنی و شیعه می‌باشند. همچنین، در جایی که میان گفتمان اسلام سلفی و جهانی شدن تطابق حاصل شود، شاهد گسترده‌گی و اشاعه هستی‌شناسی ناامنی هستیم (جوکار، ۱۳۸۶). این جریان‌ها با بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی مجازی و تارنماهای اینترنتی، موجب ارتباط معنادار گفتمان اسلام سلفی با امنیت جهانی شده‌اند و در این پیوند، گفتمان تکفیری خوراک و تغذیه اندیشه‌ای رادیکال خود را از وقایع خاورمیانه و برای نشر و انجام‌دادن اقدامات خشونت‌آمیز در دیگر نقاط جهان، مانند اروپا و آمریکای شمالی می‌گیرد. شاید سخنان تونی بلر، نخست‌وزیر پیشین انگلستان در زمینه این‌که امروزه اسلام مهم‌ترین خطر امنیتی جهان معاصر است، گویای توطئه‌ای حساب‌شده در چارچوب همین پیوند میان گفتمان اسلام سلفی با جهانی شدن امنیت خاورمیانه باشد. اینک رشد قارچ‌گونه جریان‌های تکفیری در خاورمیانه، که کانون انگاره‌های سلفی و تکفیری است، به دغدغه‌ای جهانی تبدیل شده است و خاورمیانه، تا آینده‌ای پیش‌بینی‌ناپذیر، منطقه‌ای امنیتی شده خواهد بود.

منابع

- ابوزهره، محمد (۱۳۸۴). *تاریخ مذاهب اسلامی*. ترجمه علیرضا ایمانی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- جوکار، محمدصادق (۱۳۸۶). *چیستی نوین‌یادگرایی اسلامی*. منابع اینترنتی: باشگاه اندیشه.
- حسن، حسن ابراهیم (۱۳۸۵). *تاریخ سیاسی اسلام*. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بدرقه جاویدان.
- خدوری، مجید (۱۳۷۲). *گرایش‌های سیاسی در جهان عرب*. ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- شباور، عصام محمد (۱۳۸۵). *دولت ممالیک و نقش سیاسی و تمدنی آنان در تاریخ اسلام*. ترجمه شهلا بختیاری، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- شفیعی، نوذر (۱۳۸۳). *شکل‌گیری بنیادگرایی اسلامی*. همشهری دیپلماتیک، شماره ۲۷.
- علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۹۴). *اندیشه سیاسی در جهان اسلام از فروپاشی خلافت عثمانی*. تهران: جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۶). *آمریکا بر سر تقاطع، دموکراسی، قدرت و جریان نو محافظه‌کاری*. ترجمه مجتبی امیری وحید، تهران: نشر نی.
- کپل، ژیل (۱۳۸۲). *پیامبر و فرعون*. ترجمه حمید احمدی، تهران: کیهان.
- لائوست، هنری (۲۰۰۷). *شرایع‌الاسلام فی منهج ابن تیمیه*. ترجمه و تعلیق و اعداد، محمد عبدالعظیم علی، الاسکندریه: دارالدعوه.
- مکی، محمدکاظم (۱۳۸۳). *تمدن اسلامی در عصر عباسیان*. ترجمه محمد سپهری، تهران: سمت.
- موثقی، احمد (۱۳۸۹). *جنبش‌های اسلامی معاصر*. تهران: سمت.
- ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی اجتماعی شمال آفریقا از آغاز اسلام تا ظهور عثمانی‌ها*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- هولت، پی‌ام، و لمبتون. ان.ک.س.، و لوئیس، برنارد (۱۳۷۸). *تاریخ اسلام* - کمبریج. ترجمه تیمور قادری، تهران: مهتاب.

- Elive, B. (1983). State Capitalism in Egypt. *Khamsin*, No. 10.
- Esposito, J. L. (1982). *Voices of resurgent Islam*. New York: Oxford University Press.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال پنجم
شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۷

- Kepel, G. J. (2002). *The trail of political Islam*. Massachusetts: Harvard University Press.
- Lakhdar, L. (1981). Why the reversion to Islamic Archaism?. *Khamsin*, No. 8.
- Olivier, R. (2004). *Globalized Islam: The search for a new Ummah*. New York: Columbia University Press.
- The National Print News Media 2000-2008, Cardiff school of Journalism, Media and cultural studies.

واکاوی مبانی هویتی
جریان‌های تکفیری
و رویکرد آن‌ها به ...
(۱۵۵ تا ۱۷۱)